

12

انقلاب مشروطه اولین انقلاب واقعی برای قانون مدرن. / فرمان شاه قاجار بر علیه شاهنشاهی بود و به نفع ملت. فرمان مشروطه در ایران، اولین فرمانی بود که قانون را بر علیه خودش فعال کرد.

مطابق با مباحث قبلی که نوشته شد، همواره باید به یاد داشت که مرز "قانون" با "فرمان" در کجاست! و همواره وقتی کسی می‌گوید که «من می‌خواهم برای شما قانون بنویسم» بایستی از همان اول از او بخواهیم - میزان مالکیتش بر بستر اجرایی قانون - و - میزان حقی که بر محدوده‌ی قانون نویسی‌اش دارد - را مشخص کند. مثلا اگر یک نفر بیاید و برای رنگ لباس زیر شما قانون بنویسد، از همان ابتدا وارد خصوصی‌ترین حریم شخصی شما شده است، چون هیچ مالکیتی و حقی برای آن بخش از زندگی شما ندارد. یا اگر کسی بیاید برای نوع راه رفتن شما در داخل خانه‌ی خودتان قانون تدوین کند، او هم قاعدتا حرف بی‌ربطی خواهد زد چون این چیزها هرگز به او مربوط نیست. به همین تناسب بیایید جلوتر، کسی که برای حق انتخاب شما جهت خرید روزانه‌ی منزلتان و نوع انتخابتان برای تَن صدایی که قرار است با دوستانتان حرف بزنید یا عکسی از خودتان را در جایی که فضای خصوصیتان هست نشر بدهید و ... دستورالعمل‌هایی ضروری تدوین کند، چنین فردی قطعا یا دیوانه است و با شما شوخی‌اش گرفته است یا یک موجود مستبد و خودخواهی است که فکر می‌کند حق دارد بر بدن و روحیه‌ی فردی شما تملک داشته باشد که قاعدتا حتما باید به او بفهمانید که چنین حقی ندارد.

پس خلاصه‌تر بگوییم، قانون -نگار ملزم به وضوح بخشیدن حدود مالکیت و حدود حقی است که دارد و نه بیشتر. یعنی باید بداند حد اظهار نظرش کجاست و جایی که مربوط به حریم شماست باید و ضرورت دارد که اجازه‌ی شما را به طور دقیق و واضح داشته باشد.

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

در دنیای مدرن این اجازه از جانب مالکین و صاحبان حق یک سرزمین، به پرسنل و نیروهای اجرایی و کاری آن سرزمین به روش‌هایی و مکانیزم‌های اجرایی‌ای واگذار می‌شود، که ساده‌ترین آن اعمال، ارائه‌ی حق رأی مستقیم و انتخاب بیواسطه‌ی افرادیست که قرار است برای کشور و سرزمین یک ملت، قانون تدوین کنند و نیز کسانی که ملزم به اجرایی کردن و نظارت بر آن قوانین هستند. در اصل معنی سه قوه‌ی قانون‌گذاری (مجلس)، قوه‌ی اجرایی (ریاست جمهور یا نخست وزیر) و قوه‌ی دادگستری (قوه‌ی قضائیه) همین است.

مجموعه‌ی افراد متخصص و واجد تجربه در تدوین چنین محتوایی؛ آن هم برای مالکین اصلی آن سرزمین، همان اهالی مجلسی هستند که برای تدوین اولین قوانین ملی آن سرزمین گرد هم جمع می‌شوند. به عبارتی آنها وکیل مالکان سرزمین هستند تا از جانب موکلانشان و با لحاظ گستردگی و تنوع افکار و آراء، دست به تدوین و گردآوری قانون بزنند. نیز باید این را دانست که این وکلان نیز نمی‌توانند صرفاً به صلاحدید خود، خیر اعلایی را برای عموم تشخیص بدهند بلکه حتماً باید طی یک مکانیزم مشورتی با موکلینشان در مجلس نقش ایفا کنند. عامه حتی اگر ضرورت بدانند که نفع خود را به ضرر تبدیل کنند، این حق طبیعی ایشان است و قانون-نگار ملزم به تبعیت از فرمانی است که از جانب مالکان اصلی سرزمینی برای ایشان صادر می‌شود و البته می‌تواند نظر مشورتی خود را برای نگاشتن قانون خوب ارائه بدهد. به نوعی مالکین یک کمپانی یا یک شرکت تعاونی به مشاورانی برگزیده از جانب خود، حقوق و دستمزد می‌دهند تا آن مشاوران منتخب برای ایشان و در راستای نفعی که ایشان برای کمپانی یا شرکت تعاونی خویش در نظر گرفته‌اند، طرح و برنامه تدوین کنند و قواعدی را گردآوری کنند. (قاعدتا در هر مجموعه‌ی مشارکتی‌ای، عموم بر مبنای نفع فردی گرد هم جمع شده‌اند و ایشان نفع و سودشان را اگر هم به خطا تشخیص دهند، با دیدن میزان ضرر و خطا عقب نشینی کرده و مسیر درست‌تر را انتخاب می‌کنند، لذا نه قیّم دینی و نه قیّم سلطانی و نه هیچ نوع قیّم دیگری بر نفع فردی افراد اولویت ندارد و چنین حقی نیز ندارد که برای مالکین اصلی یک سرزمین خیری مفیدتر را تشخیص دهد).

اگرچه که موضوع مطرح شده در پاراگراف قبل، به لحاظ اجتماعی موضوعی بسیار پیچیده است، جای بسیار شگفتی است که فهم این نکته‌ی مهم در طول تحولات اجتماعی ایران، در دوره‌ی مشروطه اتفاق افتاد. مشروطه خواهان به دلایلی متعدد به این درک رسیدند که ضرورت دارد ملت را از این حقی که دارند و از این مالکیت سرزمینی‌ای که دارند، مطلع کنند. هرچند که توضیح این مطالب برای

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

رعیت‌هایی بی‌سواد در آن دوره (در حدود سالهای 1260 شمسی آرام آرام موج‌های اجتماعی و جنبش تنباکو آغاز شد و در سال 1285 شمسی به ثمر نشست) کار بسیار سختی بود، ولی به هر حال این امر مهم نتیجه داد و انقلاب مشروطه با قدرت تمام به پیروزی رسید. مطالبه‌ی رسمی مشروطه خواهان

1. تثبیت نظم عمومی (عدالت) و تأسیس عدلیه

2. تدوین قانون

3. ایجاد آزادی قلم و کلام بود.

چیزی که برای مدتی ولو کوتاه، در ایران آن زمان اجرایی شد و قبل از اینکه روس‌ها مجلس ایران را به توپ ببندند، این هوای آزاد بر آسمان شهرهای نیم بند ایران جاری شد. این اولین باری بود که مردم ایران با فرمان شاه، ساخت "فرمان" را شکستند و آن را با "قانون" جایگزین کردند. فرمان مشروطه، فرمانی بود که شاه بر علیه نقش خود در عرصه‌ی عمومی صادر کرده بود و حرکتی آغازین برای رفتن به سمت مباحثی جدید بود. فرمان مشروطه اولین فرمان در طول تاریخ ایران بود که معنای فرمان بر علیه خودش به کار گرفته می‌شد و فرمان‌دهنده به فرمان-پذیر می‌گفت تو باید خودت و برای خودت، تصمیم بگیری. نام "فرمان مشروطه" یکی از پرتناقض-ترین نام‌های فرمانی در طول تاریخ تحولات اجتماعی جهان است.

ما خود را ادامه دهندگان کسانی می‌دانیم که مسیر اجرایی شدن این فرمان را هموار کردند و برای نگاشتن قانون، آنهم بر مبنای حفظ کرامت انسانی، تلاش می‌کنند.

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت